

اقتصاد لبنان در گرو غرب

در حالی که جریان‌های سیاسی برای تشکیل کابینه لبنان به ریاست محمد الصغدی به توافق اولیه رسیده بودند، وی از پذیرش این مسئولیت خودداری کرد. از سوی دیگر، اعتراضات لبنانی‌ها در سایه خلف وعده غرب در اجرای کمک‌های اقتصادی، همچنان ادامه دارد. جبران باسبیل وزیر امور خارجه دولت پیشبرد امور لبنان روز شنبه در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «ام تی وی» لبنان از موافقت محمد الصغدی وزیر دارایی سابق این کشور با تصدی پست نخست‌وزیری خبر داده بود اما بعد از گذشت چندین ساعت الصغدی به خبرها مبنی بر مطرح شدن نام وی به عنوان یکی از گزینه‌های تصدی نخست‌وزیری لبنان واکنش منفی نشان داد. محمد الصغدی اعلام کرد که با تشکر از میشل عون رئیس‌جمهور و سعد الحریری و تمام کسانی که نام‌ها را برای تشکیل دولت جدید پیشنهاد دادند، ولی من تشخیص دادم که تشکیل دولت هماهنگ و منسجم و مورد حمایت همه گروه‌های سیاسی که بتواند اقدامات فوری برای نجات وضعیت اقتصادی و مالی بحرانی اتخاذ کند و به خواسته‌های مردم پاسخ دهد، دشوار است. الصغدی با بیان اینکه بیانیه‌اش در پاسخ به تمایلی است که طرف‌های مختلف برای مطرح کردن نامش به عنوان گزینه تصدی نخست‌وزیری نشان داده‌اند، از پذیرش مسئولیت تشکیل دولت جدید لبنان عذر خواهی کرد.

پیشتر، سعد الحریری در پی اعتراضات گسترده مردمی نسبت به وضعیت اقتصادی عصر روز سه‌شنبه ۲۹ اکتبر (هفتم آبان) در پیامی خطاب به مردم لبنان از قدرت کناره‌گیری کرده بود. لبنان ۲۵ سال است که با بحران اقتصادی روبروست و امروز در نتیجه تراکم ۳۰ سال سیاست اقتصادی اشتباه، وضعیت کشور بدتر شده و اعتراضات مردمی را به همراه داشته است. بدهی‌های عمومی لبنان به کشورهای اروپایی و آمریکایی به یکی از اهرم‌های فشار این کشورها ضد لبنان تبدیل شده است. از دید معترضان، کنفرانس‌های اقتصادی بین‌المللی و تعهدات مالی مصوب شده در این کنفرانس‌ها ردی از ملت لبنان را رفع نکرده است.



یکی از کنفرانس‌های مربوطه کنفرانس سیدر بود که در آوریل سال ۲۰۱۸ در پاریس برگزار شده، اما تعهدات مالی این کنفرانس همچنان انجام نشده و اروپا و آمریکا تحقق این کمک‌های مالی را به مداخله در امور داخلی لبنان و کنار زدن حزب‌الله و گروه‌های مقاومت از بافت سیاسی این کشور مرتبط کرده‌اند. تحلیلگران مسایل داخلی لبنان معتقدند هدف واقعی آمریکا ایجاد فتنه و آشوب در لبنان است تا در آن فضا به دستاوردهای سیاسی خود برسد و دولت مورد نظر خود را در این کشور روی کار بیاورد. در همین رابطه دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا همزمان با ناآرامی‌ها در لبنان اختصاص کمک امنیتی ۱۰۵ میلیون دلاری به این کشور را بلوکه کرد. آمریکا از اظهار نظر رسمی در خصوص تعلیق کمک‌های این کشور به لبنان طفره می‌رود، اما پیش از این، رژیم صهیونیستی از شرکای خود در جامعه بین‌الملل خواسته بود تا کمک‌های خود به لبنان را مشروط به خروج حزب‌الله از دولت و توقف طرح موشکی حزب‌الله نمایند. کمک نظامی آمریکا به لبنان شامل دوربین‌های دید در شب و سلاح‌های مورد نیاز برای تأمین امنیت مرزی می‌شود.

گرچه اسناد و اطلاعات زیادی در خصوص فشار مالی و اقتصادی آمریکا برای مداخله در امور داخلی این کشور وجود دارد، اما اظهارات اخیر مایک پامپئو وزیر خارجه آمریکا را می‌توان مهم‌ترین و شفاف‌ترین سند مداخله آمریکا در تحویل دولت مورد نظر خود به مردم لبنان دانست. با توجه به آن چه گفته شد، به مردم نظر می‌رسد عوامل خارجی نقش تأثیرگذاری در اعتراضات روزهای اخیر در جامعه لبنان داشته‌اند. بر کسی پوشیده نیست که آمریکا و اروپا از طریق جنگ اقتصادی که با عنوان مجازات حزب‌الله لبنان ضد ملت این کشور در پیش گرفته آن را دنبال کرده است.

گزارش «توسعه ایرانی» از دلایل ادامه به‌هم‌ریختگی در عراق

شبکه‌های سهم خواهی!



شیراز گلزاری

مشکل در عراق همچنان حل نشده است. به‌رغم آنکه زد و خورد‌های میدانی در این کشور همانند خشونت روزهای ابتدایی نیست؛ اما به هر ترتیب صدای اعتراض‌ها همچنان بلند است. اخبار ضد و نقیض است و همه را سردرگم کرده؛ اوایل صبح خبر آرام بودن بغداد توسط رسانه‌های منطقه‌ای و فرماندهی منتشر می‌شود و کمی بعد می‌بینیم که همه چیز ظرف چند ساعت به هم می‌ریزد. این مساله در مورد پرونده عراق، خصوصاً طی یکماه اخیر بارها روی داده است. چندین بار خبر آرام‌سازی آمده است و چند دقیقه بعد صدای شلیک گلوله و اعتراض‌ها بلند شده است و این موضوع نه تنها همه را گمراه کرده بلکه موجب شده افکار عمومی به اخبار رسانه‌ها اعتماد نکنند. در اینجاست که جدل‌ها بالا می‌گیرد و همچنان شاهد تعمیق و بروز اختلاف‌ها در سطوح مختلف (از خیابان‌ها گرفته تا بدنه‌سران سه‌قوا) هستیم.

برای مثال روز گذشته به‌رغم اینکه برخی رسانه‌ها اعلام کردند که مشکلات مردم عراق تا حد زیادی برطرف شده و معترضان به

خواست‌های خود در همه سطوح دست پیدا کرده‌اند اما چند ساعت بعد می‌بینیم معترضان در میدان التحریر بغداد مجدداً در حال برگزاری راهپیمایی اعتراضی هستند؛ تاجایی که در همان حین گزارش‌هایی از برخورد یک فروند راکت به محله الکراهه بغداد منتشر می‌شود که مانند یک بمب ناپالم مجدداً آفکار عمومی را به خود مشغول می‌کند و حتی موجب می‌شود برآوردهای سیاسی و میدانی به هم بریزد. نمونه دیگر این تضاد و مشکل را می‌توان در لبنان هم مشاهده کرد؛ در یک‌روز خبر انتخاب «محمد الصغدی» به عنوان گزینه جدید نخست‌وزیری این کشور توسط رسانه‌های عرب زبان و حتی دفاتر خبرگزاری‌های غربی در بیروت منتشر می‌شود و کمی بعد این خبر توسط احزاب، اطرافیان و در نهایت خودش تکذیب می‌شود و اینجاست که سوال اصلی مطرح می‌شود: چرا در عراق و تاحدودی در لبنان، به‌صورت هفتگی این حجم از اخبار ضد و نقیض منتشر می‌شود؟ تفاوت‌ها در کجاست و چرا هر روز شاهد جری‌تر شدن معترضان (خصوصاً در عراق) هستیم؟

دموکراسی انجمنی؛ فرصت یا تهدید؟
لشگر کشی ایالات متحده به عراق آن‌هم به بهانه کشف و ضبط سلاح‌های

کشتار جمعی، به سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ منجر شد اما این پایان کار نبوده؛ به عبارت دیگر آمریکا تنها برای سرنگونی بعث وارد عراق نشد بلکه ادبیات سیاست‌گذاری و نقطه‌گذاری راهبردهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی این کشور در هر نقطه از جهان دارای لایه‌های متعدد است که در «سناریوی بلندمدت» جای می‌گیرد. یکی از همین سناریوهای بلند مدت، تدوین قانون اساسی عراق بود. آمریکایی‌ها پس از مطالعه اقلیم عراق و پشت پرده‌های آن به این نتیجه رسیدند که به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند یکی از سه طیف شیعیان، اهل تسنن و کردها را از دایره ساختار و حاکمیت سیاسی این کشور حذف کنند و به این ترتیب مکانیزم «دموکراسی انجمنی» را برای عراق تبیین و تدوین کردند. بر اساس این مدل سیاسی مقرر شد نخست‌وزیر از طیف شیعیان، رئیس پارلمان از اهل تسنن و رئیس طیف کردها انتخاب شود که تا به این لحظه همین مدل پیاده‌سازی و اجرا شده است.

همین مدل را فرانسوی‌ها برای لبنان برگزیدند؛ به گونه‌ای که مقرر شد رئیس‌جمهور از طیف مارونی‌ها (مسیحیان)، نخست‌وزیر از اهل سنت و رئیس پارلمان از طیف شیعیان انتخاب شود که قبل از آن هم پیمان طائف زمينه‌ساز همین موضوع در لبنان شده بود. اگر به هر دو کشور در یک قالب نگاه کنیم، صراحتاً می‌بینیم که این مدل اگر چه بهترین گزینه برای کنترل صحنه سیاسی و توزیع قدرت در بیروت و بغداد بوده، اما آنچه که مانع از عدم توسعه، بهم‌ریختن محیط اقتصادی - امنیتی داخلی و همچنین عدم توجه به مطالبات اجتماعی شده است، تنها مربوط به دخالت و خط‌دهی‌های خارجی نیست. اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر روی پرده در مورد داغ‌ها و احوال عراق و کمی هم لبنان صحبت کنیم باید بگوییم که آنچه موجب بهم‌ریختگی در هر دو کشور شده، تنگ کردن دایره خودی و ناخوددی‌ها است. اینکه در عراق اعتراض‌ها وارد ماه دوم شده است

امادر دفتر نخست‌وزیر، رئیس پارلمان و رئیس‌جمهور همه چیز با خوش‌بینی جمع و تفریق می‌شود دقیقاً نشان می‌دهد که هیچ کانال ادراکی و ارتباطی میان مردم و ساختار سیاسی عراق برقرار نیست. این موضوع دردناک در پارلمان عراق بیشتر از هر جای دیگر احساس می‌شود؛ چرا که احزاب حاضر در پارلمان هر کدام به یک کشور خاص (منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای) گرایش دارند و اساساً تنها چیزی که از سال ۲۰۰۳ تا کنون توسط اکثر آنها پیگیری شده، منافع حزبی و شخصی بوده است. به گونه‌ای که هر کدام از نمایندگان که وارد پارلمان عراق شده‌اند از مسئول دفتر و راننده گرفته تا مسئول ارتباطات و روابط عمومی را از نزدیکان خود انتخاب کرده و هیچ شایستگی سالیاری در این بین مدنظر آنها نبوده است؛ در صورتی که گزینه‌های بهتر برای انتخاب از میان جوانان این کشور وجود دارد.

در سوی دیگر وزاری که برای حضور در کابینه انتخاب می‌شوند هم برای خودش داستان‌های گوناگونی دارد. بسیاری از اشخاصی که برای در دست گرفتن سکان وزارتخانه‌ها انتخاب می‌شوند عملاً گزینه‌های کهنه کار این کشور هستند اما اوج مشکل در آنجاست که تمام این گزینه‌ها به دلیل ریشه داشتن در ساختار سیاسی عراق یا به فساد آلوده هستند یا اینکه وام‌دار اشخاص و کشورهای خارجی هستند که نمی‌توانند دست‌رد به سینه آنها بزنند. برای نمونه یکی از اسنادی این ادعا را تایید می‌کند گزارش‌های اخیر وزارت اقتصاد و وزارت کشور عراق است که نشان می‌دهد مقامات فعلی و گذشته این کشور دو تابعیتی و حتی چند تابعیتی هستند. اکثر آنها بعد از اتمام دوره تحصیلی‌شان در خارج از عراق پایه‌عنوان هیئت علمی دانشگاه‌ها در یافت کرده‌اند و طبیعی است که پس از به قدرت رسیدن در ساختار سیاسی عراق رابطه خود با کشور دوم را حفظ می‌کنند. جالب اینجاست که همین روال در مورد مقامات لبنان هم صادق است!

راه خروج از بحران چیست؟
«حیدر العبادی»، نخست‌وزیر پیشین عراق اخیراً ابرآاره طرحی

پیشین عراق اخیراً ابرآاره طرحی

آمریکایی‌ها پس از مطالعه اقلیم عراق و پشت پرده‌های آن به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند سه طیف شیعیان، اهل تسنن و کردها را از دایره ساختار و حاکمیت سیاسی این کشور حذف کنند و به این ترتیب مکانیزم «دموکراسی انجمنی» را برای عراق تبیین و تدوین کردند

برای پایان دادن به تنش کنونی در این کشور و توقف اعتراضات، خواهان برکناری عادل عبدالمهدی شده است. او پیشنهاد داده که دولت موقتی از شخصیت‌های مستقل تشکیل شود که به مدت شش ماه اداره امور کشور را در دست بگیرد و اصلاحاتی در قانون انتخابات انجام دهد. به گفته العبادی این اصلاحات شامل تشکیل یک کمیته مستقل انتخابات و ایجاد مکانیزم‌هایی برای انتخابات است و تمام مراحل باید با نظارت بین‌المللی باشد. این در حالیست که سخنگوی دولت عراق اخیراً اعلام کرده که در آینده نزدیک کابینه دولت عراق ترمیم می‌شود.

واقعیتیست که در اینجا باید به صورت کاملاً مشخص مورد نظر قرار بگیرد این است که تعویض چند نفر یا حذف و اضافه چند بنده از قانون اساسی و دستورالعمل‌های انتخاباتی نمی‌تواند راهگشای وضعیت فعلی عراق و آرام‌سازی آن باشد؛ آنچه باید مورد نظر قرار بگیرد این است که «سلول‌های سهم خواهی» در عراق و حتی لبنان به شبکه‌ای از فساد تبدیل شده که ریشه آن در دفاتر کسانی است که دیگر باورش برای مردم سخت نیست. به همین دلیل مساله سهم خواهی از سوی طیف‌های مختلف در عراق بزرگترین بن‌بستی است که نمی‌گذارد سنگ روی سنگ بند شود؛ از اینرو اگر مساله مذکور به صورت جدی (به دور از شعار) حل و فصل نشود، نمی‌توان انتظار آرام شدن اوضاع را داشت.

خبر

کردهای سوریه: دنبال تجزیه کشور نیستیم



کانتون کردها در شمال سوریه اعلام کرد ما تلاش‌ها برای تقسیم سوریه را ناکام گذاشتیم و هیچ نیستی برای تقسیم و تجزیه سوریه نداریم. روسیا الیوم نوشت، کانتون کردها در شمال سوریه با انتشار بیانیه‌ای در صفحه کاربری خود در فیس بوک نوشت: ما مسیر هر گونه تلاش برای تقسیم و تجزیه سوریه را بستیم و تلاش‌ها را برای آن ناکام گذاشته‌ایم و طی هشت سال با اشغالگران و تروریست‌های داعش و جبهه النصره برای حفاظت و حمایت از خاک، و جدت و یکپارچگی سوریه جنگیدیم و این پیروزی، افتخاری برای همه مردم سوریه است. در این بیانیه همچنین آمده است: ما قصد و نیستی برای تقسیم و تجزیه سوریه نداریم. سخنان و اتهاماتی که علیه کردها در خصوص تقسیم سوریه مطرح می‌شود، نادرست و به دور از واقعیت است.

خبر

پلوسی: ترامپ «شیاد» بدتر از نیکسون است



رئیس مجلس نمایندگان آمریکا ضمن مقایسه دونالد ترامپ با ریچارد نیکسون، گفت: این «همتای بدنام ترامپ» دست‌کم آنقدر به کشورش اهمیت می‌داد که قبل از استیضاح، خودش استعفا داد. نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌اس به استعفا ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا پس از رسوایی واترگیت اشاره کرد و گفت: آنچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا انجام داده «بسیار بدتر» از آن چیزی است که نیکسون انجام داده بود. نیکسون دست‌کم آنقدر برای آمریکا اهمیت قائل بود که قبل از استیضاح، خودش استعفا داد و پذیرفت که اینگونه نمی‌شود ادامه داد. نیکسون در سال ۱۹۷۴ میلادی پس از تأیید مفاد استیضاح توسط کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا و پیش از رای گیری کل مجلس نمایندگان در این خصوص استعفا داد و استیضاح نشد. وی تنها رئیس‌جمهور آمریکاست که استعفا داده است.

مادورو: خدا را شکر اقتصادمان دلاری شد!

رئیس‌جمهوری ونزوئلا پذیرش «دلاری شدن اقتصاد» کشورش، آن‌را در پیچه‌گریز توصیف کرد که می‌تواند این کشور را به سلامت از بحران اقتصادی و تحریم‌های آمریکا که هدفش براندازی اوست، عبور دهد. خیرگزاری رویترز اعلام کرد، بر اساس گزارش بانک مرکزی ونزوئلا، «بولیوار» که واحد پول رسمی ونزوئلاست، امسال بیش از ۹۰ درصد ارزش خود را از دست داد و تورم نجومی در ۹ ماه نخست امسال به ۴۶۸۰ درصد رسیده است. شدت تورم به حدی است که قدرت خرید مردم این کشور آمریکایی لاتین کاهش یافته و کلاً به چیزی معادل ۱۰ دلار در ماه رسیده است. مادورو، در سخنانی گفت: «من این را چیز بدی نمی‌بینم؛ این روندی که آن‌ها به آن «دلاری شدن» (دلاری شدن اقتصاد) می‌گویند. این دلار می‌تواند احیای کشورمان را به دنبال داشته باشد، نه نیروهای تولیدی و اقتصادی در این کشور شتاب دهد. شکر خدا که هست.»



پشتازی حزب محافظه کار بریتانیا در تازه‌ترین نظرسنجی‌ها

مجموع نتایج چهار نظرسنجی بعمل آمده در بریتانیا حاکی از پشتتازی حزب محافظه کار به رهبری بوریس جانسون در انتخابات ۱۲ دسامبر است. بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته حزب جانسون بین ۱۰ تا ۱۷ درصد از حزب کارگر جلو تر است. تازه‌ترین نتایج نظرسنجی موسسه «یوگو» مؤید آن است که ۴۵ درصد کسانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، تصمیم دارند به حزب محافظه کار رای دهند که این رقم بیشتر میزان حمایت پس از انتخابات سراسری سال ۲۰۱۷ میلادی بشمار می‌رود. حزب کارگر نیز توانسته ۲۸ درصد رای مردم را بدست آورد که نسبت به نظرسنجی قبل تغییری نکرده است. همچنین بر اساس نظرسنجی یاد شده، میزان حمایت از حزب لیبرال دموکرات به عنوان اصلی‌ترین حزب مخالف خروج انگلیس از اتحادیه اروپا ۱۵ درصد و حزب برگزیت، اصلی‌ترین حامی جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا ۴ درصد بوده که این ارقام هم نسبت به نظرسنجی پیشین تغییر نکرده است.

